

الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی - اسلامی

محمدرضا پورجعفر^{۱*}، علی پورجعفر^۲

^۱استاد و مدیر گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس
^۲دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۵

چکیده

در این مقاله سعی شده است مبانی طراحی محله‌های مسکونی در شهرهای اسلامی به طور کوتاه از صدر اسلام تا کنون مورد بررسی قرار گیرد و نقش و جایگاه مسجد به عنوان یکی از عوامل مهم و تعیین کننده ابعاد فیزیکی و همچنین برطرف کننده بسیاری از نیازهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بخش‌های مسکونی شهر مشخص گردد. در این مقاله نخست با روش توصیفی - تحلیلی، مبانی با مبانی طراحی و برنامه‌ریزی واحدهای همسایگی در غرب مقایسه می‌شود. این مبانی ابتدا به وسیله شهرسازان آمریکایی در سال ۱۹۱۱ ارائه شد و به طور گسترده‌ای حتی در کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. به این ترتیب، برتری مبانی طراحی محله‌ها در شهرهای اسلامی که مسجدها، حسینیه‌ها، تکیه‌ها و یا دیگر بناهای مذهبی نقش بسزایی در آن‌ها داشته‌اند، مشخص خواهد شد. از بررسی محله‌ها در شهرهای اسلامی گذشته چنین برداشت می‌شود که مسجد نقش پراهمیتی در ابعاد کیفی طراحی شهرها و بازتاب اجتماعی مسائل نسبت به مبانی طراحی واحدهای همسایگی در غرب که تنها به مسائل فیزیکی و کمی پرداخته، داشته است. در این جا یادآوری به معنای تداوم، استمرار و ماندگاری است و ادامه حیات بسیاری از محله‌های قدیمی در شهرهای کهن ایران دلیلی بر این گفتار است. در پایان، ضمن ارائه الگویی برای محله ایرانی - اسلامی، به نکته‌های دارای اهمیتی همچون ایجاد بستری برای تعاملات اجتماعی به عنوان میدان محله - بدون مزاحمت ترافیک سواره، با در نظر گرفتن نقش مسجدها و حسینیه‌ها به عنوان بناهای شاخص محله و دسترسی به صورت پیاده و راحت به آن، در طراحی محله‌های مسکونی معاصر در شهرهای جدید، گسترش آتی شهرها و زنده کردن بافت موجود آن‌ها اشاره شده است.

واژگان کلیدی: حدیث، مسجد، فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی، محله، واحد همسایگی.

۱. مقدمه

مسلمانان آغاز اسلام، اطراف مسجد را با تأسیس رباط، مدرسه، آشپزخانه و دیگر امکانات رفاهی، رونق بخشیدند و از این مرکز مهم با ارائه امکانات شهری به رفاه حال اهل مدینه همت گماشتند (نجفی، ۱۳۶۴: ۵۸). کوچه‌های بسیاری به مرکز شهر یا مسجد و روضه که نقطه مرکزی و کانون معنوی مدینه است ختم می‌شود. مدینه و مسجد زمان رسول اکرم، اندیشه‌های بلند و اصول اخلاقی و اجتماعی و معنوی ژرف و جهانی را بیان می‌کرد. مسجدها، تکیه‌ها، حسینیه‌ها، مصلّاها، مخزن‌های آب، کاروان‌سراها و دیگر مکان‌های عمومی در مسیر گذرهای اصلی و در جای ویژه‌ای در بافت محله‌ها جای داشته‌اند. حضرت رسول و دیگر بزرگان مدینه همه گرد مسجد، سکونت گزیدند. ارزش زمین اطراف مسجد بیش از دیگر قسمت‌های شهر بود و مسجد النبی با تمام سادگی‌اش، کانون معنوی مدینه و اسلام گردید. به این ترتیب می‌توان چنین اظهار نمود که: حضور مسجد به‌عنوان عنصری معنوی در مرکز محله، موجب تپش قلب آن، نوعی ماندگاری و جاودانگی و به‌زبانی پایداری حیات محیط اطراف خواهد گردید (پورجعفر، الف ۱۳۸۲: ۵۱).

۲-۲. سرمایه اجتماعی محله

در ابتدای قرن هفتم میلادی، پیدایش اسلام تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را در بسیاری از کشورهای کهن جهان آن روز موجب شد که در کمتر از نیم قرن فرهنگ اسلامی از غرب تا اسپانیا و از شرق تا هند گسترش یافت (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۰۶). هیچ مذهب و فرهنگی به سرعت اسلام در دنیا گسترش نیافت، ابعاد فرهنگی آن‌ها در جوامع مختلف مؤثر واقع نشد و آثار معماری در این حد به وجود نیاورد.

در آغاز اسلام و دوره پیامبر اکرم (ص)، مدینه‌النبی به عنوان شهر رسول خدا و شهرهای دیگر چون مکه و کوفه، زیر تأثیر فرهنگ اسلامی قرار گرفت. در قرن اول هجری شهر دمشق در سوریه، از سوی امویان مرکز حکومت شد و از مراکز مهم هنرهای اسلامی گردید. در حدود سال ۱۳۳ هجری، در شهر بغداد که مدتی پایتخت شاهان ساسانی بود، شیوه هنری کامل ایرانی پدید آمد و هنرهای گوناگون بویژه معماری و شهرسازی اسلامی با الهام از شیوه هنری ساسانیان رواج یافت (Jairaybhoj, R.A., 1972: 307-311).

در قرن پنجم هجری حکومت سلجوقیان در شرق تشکیل شد. این دوره کوتاه را می‌توان دوره دگرگونی در پیدایش هنرهای اسلامی بویژه معماری و شهرسازی و زمان شکوفایی هنر دانست. در ابتدای قرن هفتم هجری، هجوم مغولان و به ویرانی کشاندن کشورهای اسلامی و شهرها آغاز شد ولی این دوران دیری نپایید و آنان به تدریج به شهرنشینی و شهرسازی پرداختند و تسلیم فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی شدند در این زمان بود که شهرهای معروفی چون سلطانیه و تبریز از نظر شهرسازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیدند. حمله دوباره مغول به رهبری تیمور بار دیگر موجب نابودی بسیاری از شهرهای آباد اسلامی شد، و پایتخت مرکز هنرهای اسلامی در این دوران به سمرقند و بخارا انتقال یافت. در ابتدای قرن دهم هجری با به قدرت رسیدن صفویان، دوران دگرگونی در معماری و شهرسازی آغاز

در آغاز قرن بیستم که بسیاری از شهرها به علت پدیده‌های حاصل از انقلاب صنعتی، نیاز به برنامه‌ریزی و طراحی داشتند، ایده‌های بسیاری در زمینه بهبود اوضاع زیست محیطی شهرها و هماهنگی بهینه بافت آن‌ها با پدیده‌های جدید، در زمینه‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری از سوی علاقه‌مندان و طراحان و برنامه‌ریزان شهری ارائه شد. مبانی واحدهای همسایگی از جمله ایده‌هایی بود که به وسیله افرادی چون پری در آمریکا در سال ۱۹۱۱ مطرح گردید (پورجعفر، ۱۳۷۶: ۵۹-۵۱). این ایده، در حل مشکل سرریز جمعیت شهرها، چه به صورت پیوسته (گسترش شهرهای موجود) و چه به صورت جداگانه (در شکل شهرهای جدید) به طور گسترده‌ای نه تنها در غرب و شرق بلکه در سرزمین‌های اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. در حالی که شهرهای اسلامی نه تنها براساس نیازهای فیزیکی بلکه در زمینه توسعه مسائل فرهنگی، مذهبی و اجتماعی نیز از تجربه خوبی در طراحی و ساخت محلات مسکونی برخوردار بودند. این تجربه‌ها، تبلوری فیزیکی از فرهنگ غنی اسلامی- ایرانی محسوب می‌شود. با تأسف، این تجربه‌های ارزشمند در دوران معاصر، بویژه عصر قبل از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار نگرفت و به دلیل استفاده از مشاوران غربی و یا دیدگاه‌های آن‌ها در امر برنامه‌ریزی شهری، بیشتر به ایده واحدهای همسایگی در غرب و ابعاد فیزیکی توسعه و طراحی، پرداخته شد. در این مقاله، منظور از شهر اسلامی شهرهایی است که تا حدودی تحت تاثیر اسلام و مسلمانان طراحی و بنا گردیده‌اند.

۱-۱. روند پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی - تحلیلی و نوع آن کاربردی و توسعه‌ای است. روند پژوهش به شرح زیر است: در این مقاله بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و برتری آن به منظر غرب در زمینه همسایگی و محله، پس از یک مقدمه، نخست به پیشینه مسجد و اهمیت آن در بافت شهرهای مسلمانان در آغاز اسلام و شهرهای اسلامی در ایران و محله‌های آن‌ها پرداخته شده است. سپس آیه‌ها، حدیث‌ها و امکان تجلی آن‌ها در طراحی محله مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه، ضمن بررسی ایده واحدهای همسایگی در غرب و تعریف محله از دیدگاه صاحب‌نظران، امکان نتیجه‌گیری مبانی طراحی محله‌های مسکونی برای شهرهای آتی ایرانی - اسلامی میسر شده است. در پایان، الگویی بر اساس یافته‌هایی از بحث، بررسی، تجزیه و تحلیل‌های پیشین پیشنهاد گردیده است.

۲. پیشینه

۲-۱. مسجد و اهمیت آن در بافت شهر

مسجد در میان اندام‌های درون شهری هر شهر و روستا، همیشه جایگاه ویژه خود را داشته و از دیگر اندام‌ها نمایان‌تر و چشم‌گیرتر بوده است و از این روست که همه‌جا در دل آبادی جای گرفته است (پیرنیا، کریم، ۱۳۷۲: ۳). هر شهر یک مسجد جامع و هر محله، حداقل یک مسجد داشته و با توجه به مقیاس، در صورت نیاز مساجد بزرگ‌تر ساخته می‌شده است (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۰۹).

شد و شهرسازی به شیوه جدید گسترش یافت. شهرهای معروفی چون اصفهان از نظر برنامه‌ریزی و طراحی شهری در این دوران برجسته‌اند. به طور کلی شهرهای اسلامی را می‌توان به سه دسته شهرهای قرن‌های نخست اسلامی، مربوط به دوره سامانی و غزنوی؛ شهرهای دوره میانی در دوران سلجوقی-ایلخانی، تیموری، و دوران متأخر صفوی و قاجار تقسیم‌بندی کرد (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۳). از جمله شهرهای قرن‌های نخستین اسلامی شهرهای جدیدی هستند که یا در نزدیکی آرامگاه بزرگان مذهبی (مانند شهر مشهد) یا در کنار شهرهای فتح شده بنا شده‌اند و یا شهرهای بازسازی شده‌ای همچون شهر اصفهان هستند.

شهرهایی چون سمرقند و بخارا را به دوران میانی نسبت داده‌اند. کلاویخو فرستاده اسپانیا در سمرقند چنین می‌نویسد: «در سراسر شهر خیابان‌های پهن و میدان‌های وسیعی وجود دارد که پیرامون آن‌ها ساختمان‌های بزرگ دیده می‌شود که در آن میدان‌ها باز می‌شود» (همان).

با حکومت صفویان، دگرگونی و تغییری در سیمای شهرهای ایران آغاز می‌شود که کمتر می‌توان شبیه به آن‌را در دیگر نقاط جهان تماشا کرد. شاردن به هنگام دیدار از اصفهان از عظمت شهر ذکر کرده و از ۱۶۲ مسجد، ۴۸ مدرسه مذهبی، ۱۸۲ کاروان‌سرا و ۲۷۳ حمام، نام برده است (همان). توماس هربرت در سال ۱۶۱۷ میلادی کاشان را برتر از یورک در انگلستان به شمار می‌آورد (مقدسی، ۱۹۰۶: ۴۷). در عصر زندیه مجموعه زیبای وکیل در شیراز ساخته شد. مسجد و بازار وکیل در زمان معاصر (همچون بازار و مسجدهای عهد صفویه در اصفهان) نیز دارای عملکرد فرهنگی، مذهبی و تجاری و در حال استفاده است. در دوره قاجاریه که تهران پایتخت می‌شود تأثیرهایی از هنر و معماری شرق و غرب در هنرهای سنتی ایران رخنه می‌کند و این تأثیرها در عصر پهلوی به اوج می‌رسد.

به هر حال، پس از گذشت حدود چهارده قرن از ظهور اسلام، شهرها و محله‌ها براساس روابط اجتماعی و مسائل همسایگی شکل گرفته‌اند. این اندوخته‌ها در دوران قبل از انقلاب می‌رفت که به حیطة فراموشی سپرده شود و در بسیاری از موارد دانسته و ندانسته به دنبال آنچه در محافل غربی مطرح می‌شد برخی از بافت‌های زیبای شهری نابود و شریان‌های فعال بازار قطع شد (مانند بازار وکیل شیراز). در صورتی که لازم بود در مورد مسائل شهرسازی شهرهای اسلامی تحقیقاتی صورت بگیرد و در این راستا مبانی و اصولی جدید مطرح شود. شهرهای اسلامی ما اگرچه با پدیده اتومبیل روبرو شده بودند ولی مسائل اقتصادی و منفعت طلبی سرمایه داران همچون غرب همه چیز را کمرنگ نکرده بود. ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روانی از عوامل مهمی بودند که در طرح‌ریزی و سازماندهی شهرهای مسلمانان نقش مهمی ایفا می‌کردند و در شریان‌های محله‌ها، کوچه‌ها و گذرها، روح زندگی می‌دمیدند.

۲-۳. محله‌ها در شهرهای ایرانی اسلامی

پیش از اسلام بیشتر شهرها را به شکل کلات (قلعه و برج و بارو) می‌ساختند و در آن‌ها، بسیار موضوع نظام طبقاتی را رعایت می‌کردند.

این طبقه‌های اجتماعی بیشتر شامل سه طبقه بود ولی بعدها به چهار طبقه تبدیل شدند و شامل ارتشداران، مدیران، استرپوشان و صنعتگران بود. این‌ها هر کدام جای خود را داشتند و نمی‌توانستند به محله دیگر بروند (حبیبی، ۱۳۷۸). بعد از ظهور اسلام، این مسأله منتفی شد و محله‌ها بر مشترکات موجود شکل گرفت، به طور مثال، براساس همشهری بودن: محله شیرازی‌ها و محله بهبهانی‌ها، و یا براساس فعالیت‌های مشترک: محله سفره‌باف‌ها و محله حصیرباف‌ها و...

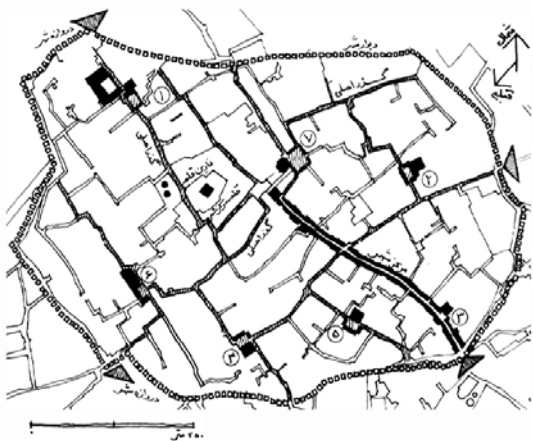
محله یا کوی، یک شهرک کوچک در دل شهر بود که برای خود بازارچه، مسجد، مدرسه و دیگر چیزهای مورد نیاز را داشت. شهر به طور معمول، از چند محله تشکیل می‌شد و هر محله، گاه برج و بارو و دروازه مخصوص داشت. هریک از محله‌ها نام ویژه‌ای داشت که در بعضی شهرها به نام افراد سرشناسی که در آن محل سکونت داشتند نام‌گذاری می‌شد (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۲). بازارچه محله شامل مشاغل نانوايي، قصابي، عطاري و میوه‌فروشی بوده و مردم برای خریدهای دیگر به بازار بزرگ می‌رفته‌اند. اگر شغل بیشتر مردم محله یکی بود کارگاهی هم در آن‌جا داشتند. محله‌ها به وسیله کوچه‌هایی به بازار یا دل شهر وصل می‌شده‌اند. کوچه‌های محله به صورت راه‌های باریکی خانه‌ها را به هم وصل کرده، چون شبکه‌ای از موی رگ‌ها، امکانات ارتباطی ساکنان محل را فراهم می‌ساختند. ممکن بود هر محله‌ای چند گذر داشته باشد. گذرها گره‌های کوچکی در محله‌های شهری بودند که محل ملاقات و ارتباط بین مردم هر محله محسوب می‌شدند، سرگذر، گاهی به صورت حسینیه درمی‌آمده است. در طول کوچه‌ها، گهگاه فضاهای سرپوشیده‌ای وجود داشت به نام ساباط که چه در هوای بارانی و چه در هوای آفتابی و گرم جای مناسبی برای مکث به شمار می‌آمد. در بعضی محله‌ها، کوچه‌ها با سنگ و آجر فرش شده و آبراهه‌ها از وسط و یا کنار آن‌ها در جریان بود که برای آبیاری باغ‌های شهر و باغچه‌های شخصی مورد استفاده قرار می‌گرفت. آب به وسیله تموشه‌های سفالی از مجرای سراسری به واحدهای مسکونی اطراف وارد می‌شد (کیانی، همان).

مسجدها، مدرسه‌ها، تکیه‌ها، حسینیه‌ها، خانقاه‌ها، دارالشفاه‌ها هریک با توجه به دوره‌های مختلف اسلامی و بسته به باورها، اعتقادات و عقاید ساکنان، عناصر مهمی از بافت محله‌ها هستند که از لحاظ اجتماعی دارای اهمیت به شمار می‌آیند. موضوع دارای اهمیت دیگری که بسیاری از محله‌های ایرانی-اسلامی از آن برخوردار بودند: انسجام، مقیاس و تناسب‌های انسانی بود و همین برتری‌ها موجب نزدیکی ساکنان و بالا رفتن ارتباط‌های چهره به چهره و رابطه‌های متقابل اجتماعی و تقویت و پایداری این رابطه‌ها و سرانجام باعث جو صمیمی و اجتماعی، و برطرف شدن بسیاری از مسایل و مشکل‌ها از سوی همسایگان در محله‌ها می‌گردید (پورجعفر و تقوایی، ۱۳۸۱: ۲۱-۱۱).

در ادامه به محله‌های برخی از شهرهای ایرانی-اسلامی همچون شیراز، نائین و زواره که از محلات متعددی تشکیل شده‌اند، اشاره شده است (تصاویر ۲، ۳ و ۴). پرداختن به جزئیات هریک از حوصله و حجم این مقاله خارج است.



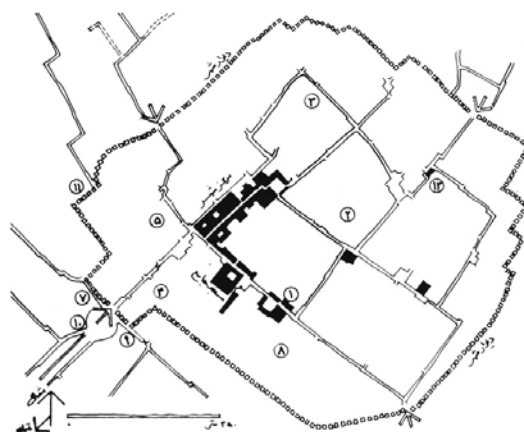
تصویر شماره ۱: در شهر شیراز، عناصر اصلی مرکز شهر را مسجد، راسته بازارهای مختلف، مدرسه و ... تشکیل می داده است. ۱. محله اسحاق بیگ ۲. محله بازار مرغ ۳. محله بال کفت ۴. محله درب شاهزاده ۵. محله درب مسجد ۶. محله سر باغ ۷. محله سر دزک ۸. محله سنگ سیاه ۹. محله لب آب ۱۰. محله میدان شاه قدیم ۱۱. محله یهودی ها (بنیادی، ۱۳۵۶).



تصویر شماره ۲: شهر نائین، ۱. محله باب المسجد ۲. محله پنجاهه ۳. محله چهل دختران ۴. محله سرای نو ۵. محله سنگ ۶. محله کلوان ۷. محله نوگابا. مرکز هر یک از این محله ها مجموعه ای از عناصر مانند مسجد، بقعه، حسینیه، میدانچه، و به عبارتی فضاهای مکث شهری را در بر می گیرد (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۸)

گونگون از نظر فرهنگی، رنگ و بوی وضعیت طبیعی و جغرافیایی و حتی مذهبی، تجلی معماری و طراحی شهری متفاوت، گونگون و سازگار در پهنه بسیاری از کشورهای مسلمانان گردیده است. امکان استفاده از تجربه های با ارزش هر یک از کشورهای مسلمان و یا دارای جمعیتی از مسلمانان برای بازیابی هویت امت اسلامی امکان پذیر است. در این ارتباط آقای مهندس فرجامی چنین اظهار نموده اند: مبانی نظری شهرسازی و معماری اسلامی می تواند مبتنی بر اصول اعتقادی در آیین مقدس اسلام باشد (هشام مرتضی، ۱۳۸۷: ۸). بی تردید یکی از منابع دارای اهمیت این مبانی، دانش فقه است. این مبانی ضمن ایجاد تنوع و تفاوت دارای یکسانی اندیشه های فراوان در میان صاحب نظران است.

مجموعه بررسی ها و نکته های ارایه شده در کتاب «اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام» اثر هشام مرتضی در مجموع، کلی بیانگر این است که ایشان اسلام را شیوه ای برای زندگی به همراه آرمان ها و ایده آل های اجتماعی و نگرشی مبتنی بر ارزش ها می داند، و نه قانون های خودکامه غرب و یا قانون های ساخته شده که بر اساس مکتب رئالیسم غرب تدوین شده است. هشام مرتضی، اسلام را در برگیرنده بسیاری از اصول نظام اجتماعی می داند که سبب هماهنگی زندگی و بالابردن ابعاد اجتماعی فرهنگی و حتی کالبدی می شود. جامعه و جماعت یکپارچه، متحد و متعهد در اسلام مورد توجه ویژه قرار گرفته است. خداوند بزرگ بر وظیفه الهی هر مسلمان در حفظ یکپارچگی اجتماعی یعنی تشکیل امت واحد تأکید دارد. بر همگان واضح است که اسلام پذیرای تمام مردم، صرف نظر از نژاد و عقیده است و بر عدالت اجتماعی ارج می نهد. این خود تنظیم کننده اجتماع است. آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» خود دلیل محکمی بر این ادعاست.



تصویر شماره ۳: شهر زواره: ۱. محله پای درخت ۲. محله باغبازان ۳. محله میران ۴. محله سامع الدین ۵. محله دشت ۶. محله پشت مشهد ۷. محله کوشک ۸. محله کفرود ۹. محله بز قوچ ۱۰. محله شوگاه ۱۱. محله بازها ۱۲. محله لب آب بخشان ۱۳. محله بنجیره. (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۹).

در ادامه به بحث، بررسی و نتیجه گیری یافته ها پیرامون پیشینه، آموزه هایی از دین مبین اسلام، تعریف های صاحب نظران و آنچه در غرب مطرح است پرداخته خواهد شد.

۳. بحث، بررسی و یافته ها

۳-۱. تجلی آموزه های اسلامی در طراحی محله

دین مبین اسلام در عرصه های مختلف زندگی انسان، دارای بنیان ها و معیارهایی است. در این ارتباط آقای مهندس سعیدی کیا چنین اظهار نموده اند: بدون شک این معیارها شامل موضوع برنامه ریزی و طراحی شهری و معماری نیز می گردد (هشام مرتضی، ۱۳۸۷: ۷). تمدن و فرهنگ اسلامی با وجود ویژگی های

بسیاری از نکته‌های ذکر شده که هشام مرتضی (۱۳۷۸) به گونه‌ای کامل به آن‌ها پرداخته نیز می‌تواند در محله ایرانی اسلامی تبلور فیزیکی یابد. همسایه‌داری ستون فقرات امت است و اصول اسلامی که شامل روابط مستحکم همسایگی و حفظ حقوق همسایگان است می‌تواند موجب بالابردن وضعیت اجتماعی محله شود.

اسلام بر تمام کسانی که در همسایگی یکدیگر هستند واجب می‌داند که نسبت به همدیگر، مهربان و مودب باشند. با یکدیگر با احترام برخورد نمایند، به یکدیگر اعتماد داشته باشند و برای همدیگر مفید و در غم و شادی هم‌نوعان خود، سهیم باشند. در اسلام، همواره به وارث همدیگر بودن و رعایت آسایش همسایگان از سوی یکدیگر سفارش شده است. در مورد رابطه‌های مستحکم دوستانه با دیگران، اسلام افراد را برای دستیابی به امتی هماهنگ، با روحیه اثرگذاری دو سویه به برقراری روابط گرم و صمیمی سفارش می‌کند. اسلام با فردگرایی و هرگونه حرکتی که موجب آسیب و خلل در روابط اجتماعی صحیح باشد، مخالف است.

در اسلام به تواضع، به عنوان یکی دیگر از بایسته‌های مهم، سفارش گردیده است. در قرآن کریم آمده است: «وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يُمْسُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»: «بندگان خدای رحمان کسانی هستند که سنگین و با تواضع بر زمین راه می‌روند و چون جهالت پیشه‌گان، خطابشان کنند سخن ملایم گویند. در اسلام هرگونه غرور، تکبر و خودستایی که سبب آزار عاطفی دیگران شود نفی گردیده است. به تواضع می‌توان هم در رفتار و هم در بستر رفتار یعنی کالبد و طراحی آن توجه کرد. ساکنان محله و بافت محله باید «تواضع» باشند. یگانه بودن، تجمل‌گرایی، خودستایی، غرور و موارد همچون آن، مورد قبول نیست. اسلام زندگی تجملی را سبب ضعف و ناتوانی و انحطاط جامعه و نشانه بی‌عدالتی می‌داند. اسلام بر «اعتدال و میانه‌روی» تأکید می‌کند و امت اسلامی را امت میانه‌رو می‌خواهد.

در ادامه به حدیث‌هایی در ارتباط با همسایه و همسایه‌داری به شرح زیر اشاره شده است:

امام علی (ع) فرموده است: «وَالْجَوَارِ أَرْبَعُونَ دَارًا مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِهَا»^۲ تا چهل خانه از چهار طرف همسایه به شمار می‌آیند. از امام صادق (ع) نقل شده است: «حُسْنُ الْجَوَارِ يُعَمِّرُ الدِّيَارَ وَيَزِيدُ فِي الْعِمَارِ»^۳ خوش همسایگی شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند.

رسول اکرم (ص) فرموده است: «إِنَّ أَحَبَّيْتُمْ أَنْ يُحِبَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَأَدُّوا إِذَا ائْتَمَنْتُمْ وَاصْدُقُوا إِذَا حَدَّثْتُمْ وَأَحْسِنُوا جَوَارَ مَنْ جَاوَرَكُمْ»^۴ اگر می‌خواهید که خدا و پیغمبر شما را دوست بدارند وقتی امانتی به شما سپردند رد کنید و چون سخن گویند راست گویند و با همسایگان خود به نیکی رفتار نمایید.

امام علی (ع) فرموده است: «سَلِّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ، وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ»^۵ قبل از مسافرت، بین همسفرت کیست و پیش از خرید خانه بین همسایه ات کیست.

امام سجاد (ع) فرموده است: «أَمَا حَقُّ جَارِكَ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَ إِكْرَامُهُ شَاهِدًا وَنَصْرَتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا وَلَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً فَإِنَّ عِلْمَتَ

عَلَيْهِ سَوْءٌ سَتَرْتَهُ عَلَيْهِ وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكَ نَصَحْتَهُ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ وَلَا تَسْلَمْهُ عِنْدَ شَدِيدَةِ وَتَقِيلُ عَثْرَتَهُ وَتَغْفِرُ ذَنْبَهُ وَتُعَاشِرُهُ مُعَاشِرَةً كَرِيمَةً»^۶ اما حق همسایه ات این است که نبودن او آبرویش را حفظ کنی و در حضورش به او احترام بگذاری، اگر به او ظلمی شد یاری‌اش رسانی، دنبال عیب‌هایش نباشی، اگر بدی از او دیدی ببوشانی، اگر بدانی نصیحت تو را می‌پذیرد او را در پنهان، نصیحت کنی، در سختی‌ها رهایش نکنی، از لغزشش درگذری، گناهِش را ببخشی و با او به خوبی و بزرگواری معاشرت کنی.

رسول اکرم (ص) فرموده است: «فِي حُقُوقِ الْجَارِ: إِنْ اسْتَعَاثَكَ أَعْتَهْ وَإِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضْتَهُ وَإِنْ افْتَقَرَ عُدْتْ عَلَيْهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ عَزَّيْتَهُ وَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَّتَهُ وَإِنْ مَرِضَ عُدْتَهُ وَإِنْ مَاتَ اتَّبَعْتَ جِنَازَتَهُ وَلَا تَسْتَطِّلْ عَلَيْهِ بِالْبِنَاءِ فَتَحْجَبَ عَنْهُ الرِّيحُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»^۷ درباره حقوق همسایه فرمودند: اگر از تو کمک خواست کمکش کنی، اگر از تو قرض خواست به او قرض دهی، اگر نیازمند شد نیازش را برطرف سازی، اگر مصیبتی دید او را دلداری دهی، اگر خیری به او رسید به وی تبریک گویی، اگر بیمار شد به عیادتش روی، وقتی از دنیا رفت، در تشییع جنازه اش شرکت کنی، خانهاش را بلندتر از خانه او نسازی تا جلوی جریان هوا را بر او بگیری، مگر آن که خودش اجازه دهد.

رسول اکرم (ص) فرموده است: «مَا أَمَنَ بِي مِنْ بَاتٍ سَبْعَانَ وَجَارَةً طَاوِيًا، مَا أَمَنَ بِي مِنْ بَاتٍ كَاسِيَا وَجَارَةً عَارِيًا»^۸ به من ایمان نیاورده است آن کس که شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد. به من ایمان نیاورده است آن کس که شب پوشیده بخوابد و همسایه اش برهنه باشد.

امام کاظم (ع) فرموده است: «لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفَّ الذِّئْبِ وَلَكِنْ حُسْنُ الْجَوَارِ الصَّبْرُ عَلَى الذِّئْبِ»^۹: خوش همسایگی تنها این نیست که آزار نرسانی، بلکه خوش همسایگی این است که در برابر آزار و اذیت همسایه صبر داشته باشی.

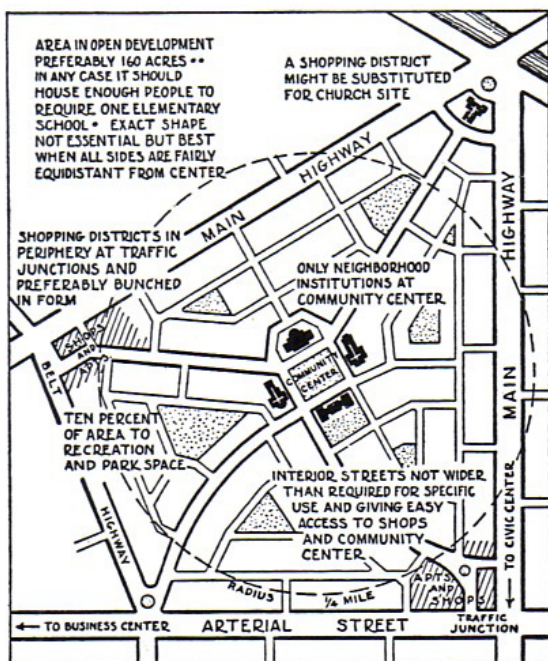
رسول اکرم (ص) فرموده است: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ عَبْدٌ إِلَّا بِأَمْنٍ جَارُهُ بَوَائِقُهُ»^{۱۰} کسی که همسایه از شرش در امان نباشد به بهشت نمی‌رود. امام صادق (ع) فرموده است: «مَنْ لَهُ جَارٌ وَيَعْمَلُ بِالْمَعَاصِي قَلِمَ يَنْهَهُ فَهَوَّ سَرِيئَةً»^{۱۱} هر کس همسایه ای را داشته باشد که گناه می‌کند ولی او را نهی نکند، شریک در گناه اوست.

امام علی (ع) فرموده است: «إِنَّ لِلدَّارِ شَرْفًا وَشَرَفَهَا السَّاحَةُ الْوَاسِعَةُ وَالْخَلَاءُ الصَّالِحُونَ وَإِنَّ لَهَا بَرَكَةً وَبَرَكَتُهَا جُودَةٌ مَوْضِعُهَا وَسَعَةُ سَاحَتِهَا وَحُسْنُ جَوَارِ جِيرَانِهَا»^{۱۲} خانه را شرافتی است. شرافت خانه به وسعت حیاط (قسمت جلوی خانه) و هم‌نشینی خوب است. و خانه را برکتی است، برکت خانه، جایگاه خوب آن، وسعت محوطه آن و همسایگان خوب آن است.

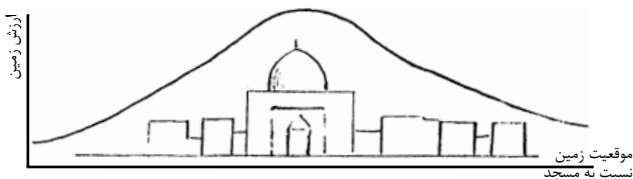
امام علی (ع) فرموده است: «زَكَاةُ الْبَرِّ الْبَرِّ الْجِيرَانِ وَصَلَةُ الرَّحَامِ»^{۱۳}: زکات رفاه، نیکی با همسایگان و برقراری ارتباط با خویشاوندان است.

رسول اکرم (ص) فرموده است: «صَلِّهِ الرَّحِمَ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ يَعْمرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْعِمَارِ»^{۱۴}: برقراری ارتباط

مسکونی با توجه به نیازهای آن بخش پیشنهاد خواهد شد. آنچه در یک جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت این است که در برنامه‌ریزی و طراحی واحدهای همسایگی در غرب، بیشتر به ابعاد فیزیکی برنامه‌ریزی و طراحی توجه شده تا ابعاد فرهنگی - اجتماعی جامعه ساکن در واحدهای همسایگی (Pourjafar, M.R., 1983 : 21- 22) با مروری بر پیشینه محله‌ها در شهرهای ایرانی - اسلامی دریافتیم که گرچه دسترسی‌هایی در مقیاس پیاده به امکانات محله، تا حدودی تعیین کننده محدوده محله است اما به طور کلی محدوده محله‌ها را بیشتر روابط اجتماعی تعیین می‌کند و نه شعاع عملکرد مدرسه، مانند آنچه در نظریه کلارنس پری مطرح شده است. نکته قابل توجه دیگر، قیمت زمین‌ها در محله بود که هرچقدر به بنای مسجد نزدیک تر می‌شد، قیمت زمین بالاتر بود (نمودار ۱).



تصویر شماره ۴: ایده واحد همسایگی؛ ماخذ: Pourjafar, 1984



نمودار شماره ۱: منحنی ارزش زمین در شهرهای اسلامی

۳-۳. تعریف محله از دیدگاه صاحب‌نظران

محله را می‌توان بخشی از تقسیم‌بندی کالبدی - فرهنگی شهر دانست که دارای حوزه یا گستره جغرافیایی مشخص، جامعه محلی چشم‌گیر، وابستگی‌ها، علاقه‌ها و احساس‌هایی همچون حس تعلق اجتماعی، رابطه‌های همسایگی و الگوی مشترک زندگی باشد که روی هم رفته هویت مشترک فرهنگی مردمان ساکن محله و بافت آن را می‌سازد (پورجعفر، ۱۳۸۳: ۱۶۸). بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل به‌عمل آمده از ۹۴ تعریف ارائه شده از سوی مجید عبدالهی و همکاران (عبدالهی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۸۲)، بیانگر این است که به مفهوم اجتماع، به

با خویشاوندان، خوش اخلاقی و خوش همسایگی، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند.

رسول اکرم (ص) فرموده است: «حَسِّنُوا أَخْلَاقَكُمْ وَالطُّفُوا بِجِيرَانِكُمْ وَأَكْرِمُوا نِسَاءَكُمْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۴: اخلاق خود را نیکو کنید و با همسایگان خود مهربان باشید و زنان خود را گرامی بدارید تا بی حساب وارد بهشت شوید.

امام علی (ع) فرموده است: «شَيْعَتُنَا الْمَتَبَاذِلُونَ فِي وِلَايَتِنَا، الْمَتَحَابُّونَ فِي مَوَدَّتِنَا الْمَتَزَاوِرُونَ فِي أَحْيَاءِ أَمْرِنَا الَّذِينَ إِنْ غَضِبُوا لَمْ يَظْلَمُوا وَإِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا، بَرَكَتٌ عَلَى مَنْ جَاوَرُوا سَلَامٌ لِمَنْ خَالَطُوا»^۵: شیعیان ما کسانی‌اند که در راه ولایت ما بذل و بخشش می‌کنند، در راه دوستی ما به یکدیگر محبت می‌نمایند، در راه زنده نگه داشتن امر و مکتب ما به دیدار هم می‌روند. چون خشمگین شوند، ظلم نمی‌کنند و چون راضی شوند، زیاده روی نمی‌کنند، برای همسایگان‌شان مایه برکت‌اند و نسبت به هم نشینان خود در صلح و آرامش‌اند.

یکی از حدیث‌هایی که می‌توان به راحتی از آن مفهوم محله در طراحی شهری را برداشت کرد و نموداری ویژه برای محله ترسیم نمود، حدیث شریف زیر به نقل از امام علی (ع) است: «حریم المسجد اربعون ذراعاً و الجوار اربعون داراً من اربعة جوانبها»^۸: حریم مسجد چهل ذراع است و تا چهل خانه از چهار طرف، همسایه مسجد به شمار می‌آیند.

رسول اکرم (ص) هم در این ارتباط فرموده‌اند: «حَدُّ الْجَوَارِ أَرْبَعُونَ دَارًا»^۹ حد همسایگی تا ۴۰ خانه [به اطراف] است که از هر طرف تا ۴۰ خانه، جزو همسایه به حساب می‌آید. نمایش کاربردی حدیث‌های ذکر شده از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش است که در بخش نتیجه‌گیری با تبدیل آن به اندازه فیزیکی ۵۰۰ تا ۴۰۰ متر قلمرو محله با مرکزیت مسجد معین گردیده است.

۳-۲. ایده واحدهای همسایگی

سازمان دهی شهرها از راه برنامه‌ریزی صحیح، حل مشکل‌های ناشی از پدیده‌های مربوط به انقلاب صنعتی، حل رخدادهای ناشی از آلودگی‌های گوناگون و ایجاد آسایش در بخش مسکونی موجب شد ایده‌های بسیاری در زمینه برنامه‌ریزی و طراحی شهری ارائه شود. در این میان در سال ۱۹۱۱ نخستین الگوی واحدهای همسایگی (تصویر شماره ۴) به وسیله کلارنس پری ارائه و در لانگ آیلند به کار گرفته شد (Evenson.Norma, 1960, PP.123-132).

به این مفهوم که جمعیتی که بتواند تعداد دانش‌آموزان یک مدرسه ابتدایی را تأمین کند، جمعیت یک واحد همسایگی را تشکیل می‌دهد و هم‌چنین شعاع عملکرد مدرسه، حدود یک چهارم مایل ذکر شده که می‌تواند اندازه محدوده واحد همسایگی را تعیین کند. فروشگاه‌های خرده‌فروشی برای نیازهای روزمره و یک نظام خیابان داخلی برای استفاده‌های داخلی و ترافیک سبک در بخش مسکونی پیشنهاد شده است (Pourjafar, 1992 : 304-308). به طور کلی در غرب، مدرسه ابتدایی، عاملی اساسی در ایده برنامه‌ریزی و طراحی واحدهای همسایگی به شمار می‌آید. دیگر امکانات بخش

عنوان ویژگی مشترک و ثابت اشاره شده و نیز نقل گردیده که: «اجتماع را می توان گروهی از افراد دانست که دارای وابستگی ها و بایستگی های مشترک هستند که در یک محدوده جغرافیایی مشترک سکونت دارند» (Marshall, 1998, 97-98 & Pacion, 2005 :376).

اگرچه در بررسی تعاریف فوق به موضوع اسلامی بودن (آیه ها و حدیث های) محله ها اشاره ای نشده، لیکن اجتماعی بودن آن بر اساس نظر بسیاری از صاحب نظران غربی، تأیید گردیده است. اگرچه صاحب نظران رشته های گوناگون همچون جامعه شناسان، جغرافی دانان، روان شناسان، برنامه ریزان و طراحان شهری و... تعریف های بسیاری برای محله به عنوان یک واحد شهری ارایه داده اند، لیکن هر یک به گوشه هایی از ویژگی های محله های قدیمی اشاره کرده اند و هیچ گونه الگویی را که بر اساس آیه ها و حدیث های معتبر، چگونگی و مقدار را برای کاربرد در برنامه ریزی و طراحی شهری دوران معاصر مشخص کند، ارائه ننموده اند.

۳-۴. مبانی طراحی محله ها در شهرهای اسلامی

هنر طراحی شهری و معماری مطلوب، باید حامل اندیشه و تفکری صحیح، خدا و محکمه پسند باشد. درک سنت های دیرینه و اصیل نه تنها در هنر بلکه در تمامی عرصه های زندگی می تواند راهگشای مناسب و مطلوبی باشد. هنر معماری و طراحی شهری در این است که بستری را برای زندگی سعادت مند و ارتقای معنوی انسان فراهم سازد (پورجعفر، ۱۳۸۳: ۴۸-۳۳). صاحب نظرانی چون دکتر حسن بلخاری قهی، بر این باورند که تاریخ اندیشه در تمدن اسلامی، گنجینه ای غنی و پر بار از مبانی نظری در شکل بخشی به فضای فرهنگی و کالبدی شهر در اختیار ما قرار می دهد که عمق، اصالت و تازگی آن در حقیقت برای اندیشمندان و محققان این عرصه حیرت انگیز است.

بررسی های به عمل آمده نشان می دهد که بیشتر مردمان شهرها و آبادی های مسلمانان، دارای روابط اجتماعی سنتی و اعتقادات مذهبی قوی هستند. در بافت بیشتر شهرهای اسلامی، سلسله مراتبی از مسجدها را با توجه به حدود تقریبی شعاع عملکرد می توان دید. هسته اصلی محله های مسلمانان را نیاپیش گاه ها (در درجه نخست مسجد) تشکیل می داد. بنابراین همان طور که در غرب و در «واحدهای همسایگی کلارنس پری» مدرسه، مرکز و عامل تعیین کننده ابعاد یک بخش مسکونی به شمار می آید، در یک شهر اسلامی باید به مسجد به عنوان عامل تعیین کننده و مرکزی فرهنگی و مذهبی در بخش مسکونی توجه کرد. سپس دیگر خدمات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و تجاری می توانند در کنار هسته اصلی محله ها برای رفاه ساکنان محله برنامه ریزی و طراحی شوند. به طور کلی بافت فیزیکی و کالبدی محله های سنتی نسبت به واحدهای همسایگی جدید نقش پر رنگ تری در روابط متقابل اجتماعی داشته اند (پورجعفر و ادب خواه، ۱۳۸۳: ۵۵۹). لیکن امروزه فراموش شدن ویژگی های بافت محله های قدیمی و جایگزین کردن آن ها فقط با جداسازی زمین ها برای کاربری مسکونی همچون آنچه در بافت های مسکونی، شهر تهران همچون عباس آباد، یوسف آباد، سعادت آباد و امثال آن ها به چشم می خورد، از جمله پیامدهای سیر اندیشه های تجدد بر معماری و شهرسازی ایران در دوران پهلوی محسوب می شود

(پورجعفر، ۱۳۸۱: ۲۸-۲۲). در بخش های مسکونی شهرهای ایرانی - اسلامی، مسجد باید درخششی را که در آغاز اسلام داشت باز یابد و به نحوی طراحی شود که با توجه به نیازهای فرهنگی عصر حاضر، جوابگوی نیاز ساکنان باشد. کودکان، نوجوانان، جوانان و سالمندان ما باید غذای روحی و روانی خود را از فضای روحانی مسجد دریافت کنند. فضاهای جنبی مسجد باید جوابگوی عملکردهای فرهنگی معاصر باشد و به گونه ای مکان یابی و طراحی شود که مردم با بنا و فضای مسجد غریبه نباشند. محل مسجد نباید هر جا که شد، و هر قدر که شد در نظر گرفته شود. باید مساحت مسجد با جمعیت بخش مسکونی (محله) در شهرهای اسلامی هماهنگی داشته باشد.

در یک شهر ایرانی - اسلامی بر خلاف نظر کلارنس پری، به وسیله مسجد و شعاع عملکرد آن باید محدوده محله را تعریف کرد. کالبد و فضاها و ابعاد فیزیکی طراحی بخش مسکونی شهرهای اسلامی باید به گونه ای انجام شود که در بهبود روابط اجتماعی اسلامی شهروندان مؤثر واقع گردد. فضاهای درون بخش مسکونی باید به ارتباط بین افراد جامعه، بهبود روابط اجتماعی و به زبان ساده به ملاقات ها و به درد دل یکدیگر رسیدن ها که در حدیث ها و روایت های ذکر شده، بر آن ها تاکید گردیده است کمک کند. در بسیاری از بخش های مسکونی شهرهای کنونی انکار بیشتر فضاها فقط برای از نقطه ای به نقطه دیگر رفتن است.

امروزه میدان ها به عنوان فضاهای ایستا و مکث در مراکز بخش های مسکونی شهرهای معاصر بسیار کم به چشم می خورد. در بخش های مسکونی بسیاری از شهرهای معاصر، تناسب های فضاها نه مقیاسی انسانی دارد و نه برای پیاده رو مناسب است و نه برای رفت و آمد وسیله های نقلیه، طراحی شده است. بسیاری از فضاهای شهری، بی روح و کسل کننده است. در حالی که بر اساس آموزه های دینی، فضاهای محله مسکونی ایرانی - اسلامی باید نشاط آفرین، دل پذیر و دل نشین باشد و مسلمانان را به هم نزدیک کند و باید مردم را در کنار یکدیگر قرار دهد. لیکن بیشتر گذربندی طرح ریزی شده در دوران معاصر و تحمیل بدون مطالعه آن بر کالبد شهر از کاستی های اصلی وارد بر بسیاری از طرح های محله های شهری است که سال ها، بدون آن که ویژگی ها و نکته سنجی های لازم را در بر داشته باشند، نام «طرح تفصیلی» را یدک کشیده اند. مطالعه انجام شده در محله امامزاده قاسم در شمال تهران، ناکارآمدی پیشنهاد های طرح تفصیلی را نسبت به وضعیت سنتی موجود در چنین بافتی نشان می دهد (لطفی، پورجعفر، انصاری، ۱۳۸۳: ۱۳-۲۴). نتایج حاصل از مطالعات انجام شده در بافت های مسکونی تا اندازه ای سنتی تهران (خیابان ایران) در مقایسه با قسمت های تازه توسعه یافته شهری مانند سعادت آباد، نشان دهنده تعاملات اجتماعی بهتر در بافت های تا اندازه ای قدیمی است. بالا بودن قیمت نسبی زمین های نزدیک خیابان ایران در دوران معاصر شهر تهران نیز دلیلی بر این ادعاست (فردوسیان، ۱۳۸۸).

در برخی از محله های قدیمی همچون محله هم جوار امامزاده صالح در تجریش نه تنها فضای کالبدی، بلکه گروه های اصیل اجتماعی قدرتمند و فعال ارزشمندی وجود دارند (اعرابی، ۱۳۹۰). این گروه های اجتماعی که می توان آن ها را نوعی N.G.O سنتی قلمداد نمود، به راحتی در تغییر

۴. نتیجه گیری و پیشنهادها

از مطالعات و بحث و بررسی‌های انجام شده می‌توان چنین نتیجه گیری کرد که ضمن پیشرفت وضعیت محله‌های موجود به عنوان پایگاه‌هایی اجتماعی بر اساس اندوخته‌های فرهنگی-اجتماعی، در بازآفرینی این واحد ارزشمند شهری با مرکزیت مسجد (تصویر ۵)، در شهرسازی آتی نیز کوشا باشیم. از آن‌جا که به اصول طراحی این محله‌ها مربوط می‌شود، این محلات باید از دانه بندی نرم، بافت هماهنگ و وحدت بخش برخوردار باشند. مسجد باید به مانند عنصری جذاب و به عنوان سمبل و نشانه‌ای با هویت ایرانی-اسلامی از لحاظ دیداری، عملکردی و جهت یابی به خوبی برای این گونه محله‌ها عمل کند.

همان‌طور که در الگوی پیشنهادی دیده می‌شود (تصویر ۵)، توصیه می‌شود که مسجد بر روی محور اصلی طرح قرار گیرد و دورنمای زیبا و جذابی را ارائه نماید. الگوی شبکه معابر و دسترسی به مسجد باید از نظمی سازمان یافته و گوناگون پیروی کند. فاصله دورترین نقطه محله تا مسجد نباید بیش از حد توانایی سالمندان و کودکان برای پیاده روی باشد. همچنین می‌بایست سلسله مراتبی از فضاها از زمین‌های بازی کودکان تا فضاهای عمومی، اجتماعی و غیره در مقیاسی انسانی، گرم و دلنشین در سطح محله در نظر گرفته شود (تصویر ۵).

چنانچه در الگوی پیشنهادی نشان داده شده، فضای عمومی اصلی محله باید به صورت چند عملکردی جوابگوی عملکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و مذهبی باشد. این به آن معناست که فضاهای اصلی عمومی باید امکاناتی را برای همه مراسم سوگواری و عیدها مانند تاسوعا، عاشورا، عید فطر، عید قربان، عید غدیر، میلادها و عید نوروز فراهم کند. نوع مصالح برای بافت و جداره‌ها نیز بهتر است، بومی، اصیل، ماندگار و مقاوم باشد. رنگ‌های مورد استفاده باید از اصالت و کیفیت بومی و محلی برخوردار بوده و در هماهنگی با پیرامون و عرف محلی مورد استفاده قرار گیرند. محله لازم است در جهت بالا بردن تعامل‌های اجتماعی برنامه‌ریزی و طراحی شود. فضاها و بافت محله ایرانی-اسلامی باید بستری تشویق کننده انجام و استمرار فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی باشند.

به طور خلاصه چنین می‌توان نتیجه گرفت که در طراحی بخش مسکونی شهرهای جدید، یا گسترش شهرهای موجود و یا بازسازی بافت‌های میانی شهرها باید به فرهنگ غنی ایرانی و به خصوص ارزش‌های اسلامی و اهمیت روابط اجتماعی توجه کرد. سابقه دیرینه‌ای را که از تجربه‌های طراحی محله‌ها در شهرهای اسلامی کسب شده، مورد نظر قرار داده و به نقش نیایشگاه، مسجد و فضاهای فرهنگی توجه نمود. برای ابعاد اجتماعی طرح و برآیند حاصل از آن باید اهمیتی خاص قائل شد و فقط به پیروی از ایده واحدهای همسایگی که بیشتر به عددها و مقدارها پرداخته بسنده نکرد. در مورد چگونگی طرح هم لازم است به آموزه‌های غنی اسلام به گونه‌ای خاص توجه نمود. فضای مسجد محله باید به مردم تعلق داشته باشد. مردم باید حس کنند فضای مسجد بخشی از فضای زندگی آنان است. ساکنان شهر باید بتوانند مشکل‌ها و غم و درد و غصه خود را در فضای روحانی مسجد با دوستان خود در میان بگذارند و در حل مشکلات هم بکوشند. بسیاری از مسجدهای امروز، آن‌طور که باید و شاید عمل نمی‌کنند. کدام یک

کاربری‌ها از تجاری به فرهنگی-مذهبی و همچنین در بازسازی بناها (تکیه‌های تجریش) به صورت خودجوش عمل می‌کنند، در حالی که این گونه مشارکت در بهسازی بافت‌های فرسوده که به دلیل‌های گوناگون به ابعاد اجتماعی آن‌ها خدشه وارد شده، به سختی قابل دست‌یابی است.

ابعاد اجتماعی-اقتصادی محله‌های قدیمی، از مهم‌ترین عواملی است که به عنوان یکی از ابعاد پنهان در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های سامان‌دهی و بازسازی بافت‌های فرسوده در بیشتر طرح‌های عمرانی به فراموشی سپرده شده و این خود موجب عدم موفقیت‌های طرح‌های بهسازی و نوسازی را باعث گردیده است (پورجعفر و معروفی، ۱۳۸۷: ۵۸-۴۷). به طور کلی توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری (در مکان یابی و معماری) مسجدهای قدیمی ایران در برخی کشورهای جهان (با هم‌سانی‌های فرهنگی) و کارایی آن‌ها که موجب جذب بیشتر مردم و دعوت ایشان به مسجدها و نماز حتی در دوران معاصر گردیده، بیانگر ارزشمندی اینگونه نظرها است (پورجعفر، الف، ۱۳۸۱: ۹۰-۷۵). در این‌جا لازم به یادآوری است که فرهنگ معماری و طراحی شهری ایرانی-اسلامی از چنان اصالت و ارزش‌های غنی تجربی برخوردار بود که به هنگام ورود مسلمانان آشنا با این فرهنگ به هندوستان مورد استقبال قرار گرفت و به سرعت رشد و توسعه یافت (پورجعفر، محمدرضا، ب ۱۳۸۲). در این ارتباط به عنوان نمونه، می‌توان به اقتباس‌هایی از طراحی شهری اصفهان در شاه جهان آباد (پورجعفر، ۱۳۸۰: ۴۷-۴۱) اشاره کرد. محله میر عاشق و خانه‌هایی که به سبک مکتب اصفهان در شاه جهان آباد (دهلی قدیم) طراحی و اجرا شده نیز قابل ذکر است (Pourjafar, 1983). در دوران معاصر، دیدگاه‌های نوینی که در مورد گذر بندی و عبور و مرور، زیر عنوان جنبش شهرنشینی جدید مطرح گردیده تا حدودی بر اعتبار معیارهای طراحی شهری بافت‌های قدیمی و بنیادی محله‌های ایرانی-اسلامی می‌افزاید (پورجعفر و لطفی، ۱۳۸۱: ۸۸-۸۵) و توجه به آن‌ها را بیش از پیش ارزشمند جلوه می‌دهد. در طراحی بخش مسکونی باید به جای اقتباس از طراحی واحدهای همسایگی غرب به دیگر نیازهای جامعه اسلامی مانند امنیت، آسایش و محرم بودن در محله‌های سنتی توجه نمود و همچنین با احترام به نقاط قوت محله‌های سنتی پیشین به طراحی شهری پرداخت.

ایرانیان در پیش از اسلام و همچنین در دوره اسلامی از فرهنگ شهرنشینی و بالایی برخوردار بودند. شهرهای متعلق به ایرانیان مسلمان را مجموعه‌ای از محله‌ها شکل می‌دادند. محله یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده پایدار اجتماعی (شهر ایرانی-اسلامی) با مرکز بودن مسجد و یا حسینیه (به عنوان فضایی با فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی) به شمار می‌آمد. محله در شهر ایرانی-اسلامی بیشتر بر اساس ابعاد فرهنگی-اجتماعی شکل گرفته است. به عبارتی ابعاد و جمعیت یک محله را روابط اجتماعی تعیین می‌کرده است. لیکن در دوران معاصر برای برنامه‌ریزی و طراحی شهری، بیشتر از ایده واحدهای همسایگی با مرکز بودن مدرسه ابتدایی و تأثیر پذیرفته از ابعاد فیزیکی استفاده می‌شود. محله‌های مسلمان‌نشین به صورت واحدی اجتماعی، پایداری خود را با ارزش‌ها و سرمایه‌های اجتماعی محلی و با مرکز بودن مسجد به منزله کانونی برای فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی در دورانی متممادی به نمایش گذاشته است.

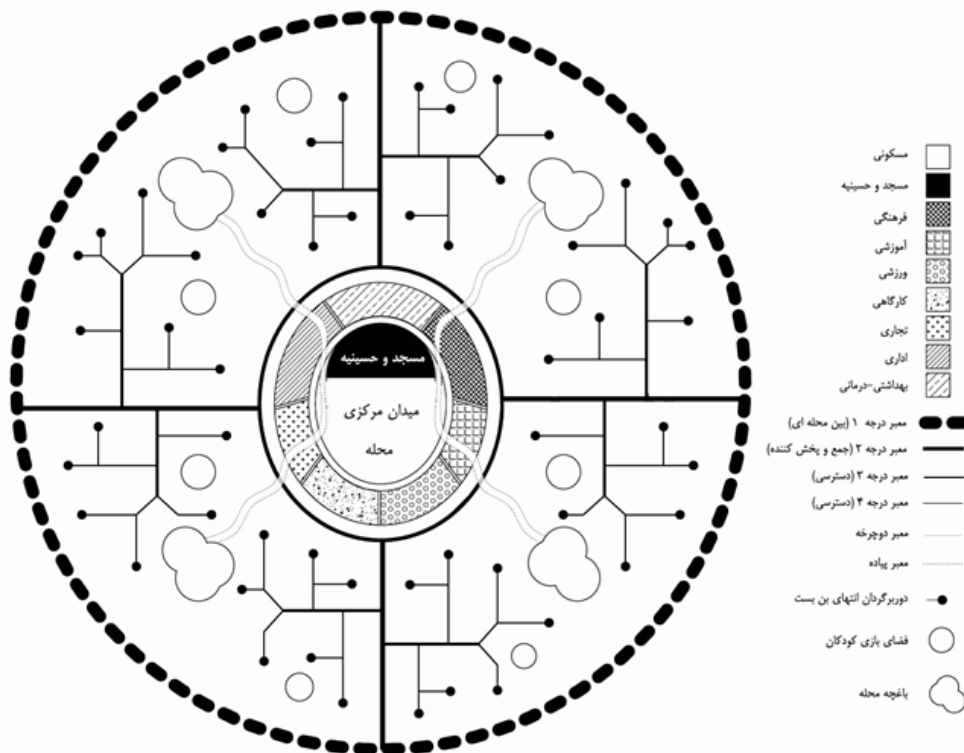
از مسجدهای معاصر در بخش مسکونی شهرها، در واقع با مسجدالنبی در دوران زندگی پیامبر اکرم (ص) قابل مقایسه است؟ مسجدها باید طوری در محله مسکونی قرار گیرند که نه فقط در زمان اذان و ادای نماز سر وقت، بلکه هر وقت می‌خواهیم، بتوانیم به درون مسجد راه یابیم و با خدای خود راز و نیاز کنیم. بهتر است از کوچه‌های اصلی محله که می‌گذریم مسجد را ببینیم و فضایی روحانی را حس کنیم. خانه خدا باید همیشه به روی بندگان خدا باز باشد. جهت قبله باید در محله به راحتی قابل درک باشد و در صورتی که مسجد و یا حسینیه و یا زیارت‌گاه محل، مناره‌ای دارد لازم است طوری طراحی شود که به‌عنوان نشانه‌های شهری به حس جهت یابی کمک کند و در صورت امکان، جهت قبله را نشان دهد. به طور کلی محله ایرانی اسلامی باید رفت و آمد سواره عبوری و حتی غربیه عبوری را به داخل خود راه ندهد تا از این راه، آسایش ساکنان گرفته نشود. در بیشتر موارد، در گذشته نظام و سلسله مراتب کوچه‌ها و گذرهای محله‌های سنتی به گونه‌ای طراحی شده بودند که تنها ساکنان محل که بیشتر به محله رفت و آمد می‌کردند و هر ناشناسی به هنگام ورود به محل شناخته می‌شد و مردم سؤال می‌کردند که منزل چه کسی را می‌خواهد؟ علت این سوال، طراحی بن‌بست‌ها بود، زیرا راهی وجود نداشت که ناشناسی بخواهد برای عبور از محله، بافت محله را قطع کند. این نکته خود موجب نوعی امنیت در محله می‌گردید.

هر برنامه‌ریزی و هر طرح عینی اگر در ایده‌های نخستین‌اش به مسائل اجتماعی - اسلامی توجه کرده باشد و ابعاد اسلامی در طرح، تبلور عینی یافته باشد موجب ایجاد محیطی خواهد شد که در آن جامعه، اعضای یکدیگر باشند و نه همچون افرادی بی‌تفاوت نسبت به مسائل دیگران و بی‌خبر از مشکلات یکدیگر. بافت فیزیکی محله‌ها

در شهر باید در بالابردن سطح فرهنگی جامعه نقش خود را ایفا کند و موجب رشد و شکوفایی جامعه شود.

در ادامه بر اساس حدیث شریف پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) در الگوی پیشنهادی محله ایرانی - اسلامی، فاصله دورترین نقطه محله تا مسجد (به عنوان عنصر مرکزی محله) حدود ۴۰ خانه که حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر (هر خانه به عرض ۱۰ تا ۱۵ متر) برآورد و پیشنهاد گردیده است (تصویر ۵). در الگوی پیشنهادی با در نظر گرفتن تراکم و سطح‌های مطلوب برای دیگر کاربری‌ها، جمعیتی حدود ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر سفارش می‌گردد. لازم به توضیح است که میدانی به‌عنوان میدان مرکزی محله در جلوی مسجد برای فعالیت‌های گوناگون در نظر گرفته شده است. تمامی کاربری‌های مورد نیاز محله در اطراف این فضا پیشنهاد گردیده است. شبکه معبرها باید با در نظر گرفتن وضعیت اقلیمی و جهت قبله طراحی شود، به گونه‌ای که فضای اصلی مکان‌های مسکونی به راحتی در جهت قبله (برای اقامه نماز) قرار گیرد. تراکم ساختمانی (F.A.R) در بیشترین اندازه، ۱۲۰٪ با توجه به دست کم اشراف و مزاحمت در آفتاب‌گیری و وزش باد در نظر گرفته شود. صادر کردن مجوز برای تراکم ساختمانی و ارتفاع در صورتی که مانع تابش نور و وزش باد برای بناهای همسایه مجاور گردد، تنها با رضایت همسایگان امکان‌پذیر است. دست کم ۴ قطعه فضای سبز به عنوان باغچه محله و ۸ فضای بازی برای اوقات کوتاه فراغت ساکنان محله نیز در میان بخش مسکونی، بدون مزاحمت رفت و آمد سواره پیشنهاد گردیده است (تصویر ۵).

در پایان یادآور می‌شود بر اساس بحث و بررسی‌های انجام شده، الگوهای بسیاری را می‌توان طراحی کرد. الگوی مفهومی ارائه شده تنها یکی از ده‌ها نمونه ممکن است.



تصویر ۵: نمونه الگوی پیشنهادی برای محله ایرانی - اسلامی

بی‌نوشت‌ها

- ۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳
 - ۲- فرقان، ۶۳
 - ۳- امام علی علیه السلام، خصال : ۵۴۴
 - ۴- کافی، ج ۲، ص ۶۶۷، ۸۰
 - ۵- نهج الفصاحه، ج ۴، ص ۵۵۴
 - ۶- نهج البلاغه، نامه ۳۱
 - ۷- خصال، ص ۵۶۹
 - ۸- مسکن الفؤاد، ص ۱۰۵
 - ۹- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۹، ح ۹۸۹۷
 - ۱۰- تحف العقول، ص ۴۰۹
 - ۱۱- نهج الفصاحه، ج ۲۵۳۲
 - ۱۲- ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۸۳
 - ۱۳- مکارم الاخلاق، ص ۱۲۵
 - ۱۴- غررالحکم، ج ۵۴۵۳
 - ۱۵- نهج الفصاحه، ج ۱۸۳۹
 - ۱۶- التوحید، ص ۱۲۷
 - ۱۷- کافی، ج ۲، ص ۲۲۶، ح ۲۴
 - ۱۸- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۴، بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۳
 - ۱۹- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۳ : ۴۳۸
- 20- Neighbourhood Unit Concept

فهرست منابع و مراجع

۱. (قرآن کریم)
۲. اعرابی، هاله (۱۳۹۰)، بازآفرینی ساختار محله‌های مسکونی با ارزش اجتماعی از طریق تحلیل ریخت‌شناسانه طراحی شهری سنتی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. توسلی، محمود (۱۳۶۹)، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، ج ۱، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (وزارت مسکن و شهرسازی)، تهران.
۴. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، نهج الفصاحه، دنیای دانش (نرم افزار دنیای دانش)، تهران.
۵. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۱)، توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیم (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)، مجله مدرس هنر، دوره اول، ش ۱.
۶. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۲)، جاودانگی در شهرسازی، مجله شهرداری‌ها، ش ۵۴، الف.
۷. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۳)، زندگی معاصر و هنر مطلوب، مجموعه مقالات هنر و زندگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۲)، تجزیه و تحلیل معماری اسلامی در شبه قاره، طرح تحقیقاتی مصوب دانشگاه، گزارش تحقیقاتی مرحله دوم و سوم، ب.
۹. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۰)، شاه جهان آباد باز تاب معماری ایران در شبه قاره هندوستان، مجله فرهنگ و معماری، سال سوم، ش ۱۱، زمستان ۱۳۸۰.
۱۰. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۱)، پیامدهای سیراندیشه‌های تجدید بر معماری و شهرسازی ایران، مجله فرهنگ و معماری، ش ۱۲، ب.
۱۱. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۳)، بازشناسی هویت فرهنگی و تعلق اجتماعی در محله‌های شهر مورد مطالعه تجریش، همایش توسعه محله‌ای چشم انداز، توسعه شهر پایدار، تهران، الف.
۱۲. پورجعفر، محمدرضا و ادب خواه، مصطفی (۱۳۸۳)، نقش بافت فیزیکی و کالبدی محله‌های سنتی و واحدهای همسایگی جدید در روابط متقابل اجتماعی، همایش توسعه محله‌ای و توسعه پایدار شهر، ب.
۱۳. پورجعفر، محمدرضا و معروفی، سکینه (۱۳۸۷)، بعد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد پنهان در برنامه ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های ساماندهی و احیای بافت‌های فرسوده، فصلنامه مدیریت شهری، سال ششم، ش ۱۹، الف.
۱۴. لطفی، سهند، پورجعفر، محمدرضا، انصاری، مجتبی، (۱۳۸۴) مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، ج تابستان
۱۵. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۷۶)، نقش و جایگاه مسجد در برنامه ریزی و طراحی محله‌های شهرهای اسلامی، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد گذشته، حال و آینده، اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان.
۱۶. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)، مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، انتشارات پیام، تهران، الف.
۱۷. پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۱)، معیارهای بهینه برنامه ریزی و طراحی بافت مسکونی شهرها با توجه به ارتباطات متقابل اجتماعی، فصلنامه مدرس هنر، سال اول، ش ۱، د.
۱۸. پورجعفر، محمدرضا و لطفی، سهند (۱۳۸۱)، دیدگاه‌های نو در گزینه معابر و عبور و مرور در بافت‌های قدیمی، فصلنامه آبادی، سال ۱۲، ش ۳۶.
۱۹. پیرنیا، کریم (۱۳۷۲)، معماری اسلامی ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۲۰. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸)، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۱. سلطان زاده، حسین (۱۳۹۰)، نائین شهر هزارهای تاریخی، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگ و معماری.
۲۲. عبدالمی، مجید و صرافی، مظفر و توکلی نیا، جمیله (۱۳۸۹)، بررسی نظری مفهوم محله و باز تعریف آن با تاکید بر شرایط محله‌های شهری ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۲، تابستان ۱۳۸۹.
۲۳. فردوسیان، سیما (۱۳۸۸)، معیارهای طراحی واحدهای همسایگی معاصر در تهران با توجه به بافت‌های سنتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۴. کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۵)، شهرهای اسلامی، نظری اجمالی به شهر و شهرنشینی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۲۵. مقدسی، احسن التماسیم (۱۹۰۶)، فی معرفت الاقالیم، لیدن.
۲۶. نجفی، سیدمحمدباقر (۱۳۶۴)، مدینه شناسی، ج ۱، رمایستان، آلمان.
۲۷. هشام، مرتضی (۱۳۸۷)، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه مشکینی ابوالفضل و حبیبی، کیومرث، انتشارات مرکز مطالعاتی تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
28. Evenson, Norma (1960), **Chandigarh**, University of California Press, Barklay.
29. Dechiara, J. Koppelman, L. (1982), **Urban Planning and Design Critrria**, VNR, New York.
30. Jairaybhoy, R.A (1972), **an out line of Islamic Asia Publishing house**, New Dehli, London.
31. Pourjafar. M.R. (1993), **Neighborhood Unit: Percept and performance case study India in new towns new culture in living**, Ministry of Housing and Urban Development, Tehran.
32. Pourjafar. M.R. (1992), **Design criteria for development of settlement in Arid Coastal Region of Iran**, (Ph. D Thesis) U.O.R. India.
33. Pourjafar. M.R. (1983), **Neighborhood Unit: Percept and performance case study India**, B. Arch Thises, CCA University, India.
34. Marshall, Gordon (1998), **Oxford Dictionary of Sociology**, Oxford University Press.
35. Pacion, Micheal (2005), **Urban Geography**, A global Perspective, Second Edition, Routledge.